

آیین دادرسی کیفری

گردآوری و تدوین و تألیف:

اسماعیل ساولانی

وکیل پایه یک دادگستری

تابستان ۱۴۰۴

سرشناسه	: ساولانی، اسماعیل، ۱۳۵۸ -
عنوان قراردادی	: ایران. قوانین و احکام Iran. Law, etc.
عنوان و نام پدیدآور	: آیین دادرسی کیفری / گردآوری، تدوین و تألیف اسماعیل ساولانی.
مشخصات نشر	: تهران: مشاهیر دادآفرین، ۱۴۰۴.
مشخصات ظاهری	: ۳۱۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۴-۵۷-۹
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: آیین دادرسی جزایی - - ایران
موضوع	: Criminal procedure - - Iran
رده‌بندی کنگره	: KMH ۴۶۰۴
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۵/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۱۰۰۵۶۰۷۲

آیین دادرسی کیفری
گردآوری و تدوین و تألیف: اسماعیل ساولانی
چاپ اول - تابستان ۱۴۰۴
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت: ۴۲۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۳۴-۵۷-۹

مؤسسه مشاهیر دادآفرین: خیابان کارگر شمالی، بالاتر از چهارراه فاطمی، کوچه شهید اکبری، پلاک ۳۲،
تلفن: ۸۱۰۵۴

پست الکترونیکی: office@dadafarin.com وب سایت: www.dadafarin.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

مجموعه حاضر براساس قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ و اصلاحات ۱۳۹۴/۳/۲۴ تألیف و تدوین و گردآوری گردیده و سعی شده است تا مبنای آیین دادرسی کیفری با این قوانین مقایسه و ارائه گردد. پس از تألیف کتاب های جلد اول و دوم آیین دادرسی کیفری و سال هفتم این درس که در آنها از آثار ارزشمند اساتید بزرگ این شاخه از حقوق کشور از جمله استاد دکتر محمد آشوری، دکتر محمود آخوندی، دکتر علی خالقی و دکتر هدایتی استفاده نموده ام که برای استفاده دانشجویان عزیز قابل تهیه می باشد اینجانب را بر آن داشت که با حذف کجک به داوطلبان آزمون های حقوقی از جمله آزمون وکالت، قضاوت، کارشناسی ارشد و دکتری، مباحث مهم و کلیدی آیین دادرسی کیفری به طور دقیق و مختصر ارائه شود تا هم تسلط علمی داوطلبان بر مباحث اصلی افزایش یابد و هم آنان بتوانند با استفاده از این نکات به طور موثرتر در آزمون ها شرکت کنند.

با آرزوی سلامتی و موفقیت

اسماعیل ساولانی

تابستان ۱۴۰۴

فهرست مطالب

بخش اول کلیات.....	۱۱
فصل اول: مرحله تحقیقات در دادرسی.....	۱۱
مبحث اول: انواع دعوا.....	۱۲
مبحث دوم: تقسیم‌بندی قرارها.....	۱۷
فصل دوم: مرحله رسیدگی و محاکمه در دادگاه.....	۲۰
مبحث اول: تقسیم‌بندی دادگاه‌ها با توجه به نوع.....	۲۰
مبحث دوم: تقسیم‌بندی دادگاه‌ها با توجه به درجه.....	۲۱
بند اول) دادگاه نخستین (بدوی).....	۲۱
۱ - دادگاه کیفری یک.....	۲۲
۲ - دادگاه کیفری دو.....	۲۴
۳ - دادگاه انقلاب.....	۲۴
۴ - دادگاه اطفال و نوجوانان.....	۲۶
۵ - دادگاه بخش.....	۲۸
۶ - دادگاه صلح.....	۲۹
۷ - دادگاه نظامی.....	۳۰
بند دوم) مرجع تجدیدنظر و فرجام‌خواهی.....	۳۵
۱) دادگاه تجدیدنظر استان.....	۳۵
۲) دادگاه تجدیدنظر نظامی.....	۳۵
۳) دیوان عالی کشور.....	۳۵
فصل سوم: چگونگی مطرح شدن پرونده در دادگاه کیفری.....	۳۸
بخش دوم: تحقیقات مقدماتی.....	۴۵
فصل اول: وظایف دادرسی عمومی و انقلاب.....	۴۵

مبحث اول: کشف جرم.....	۴۶
مبحث دوم: وظایف و اختیارات دادستان.....	۵۰
بند اول) دعوای عمومی و خصوصی.....	۵۰
بند دوم) جهات قانونی برای شروع تعقیب توسط دادستان.....	۵۶
بند سوم) اصل قانونی بودن یا همان الزامی بودن تعقیب و اصل مناسب بودن تعقیب.....	۶۲
الف) قرار بایگانی پرونده.....	۶۳
ب) قرار تعلیق تعقیب.....	۶۴
پ) تعویق تعقیب.....	۶۶
مبحث سوم: وظایف و اختیارات بازپرس.....	۶۸
فصل دوم: صلاحیت.....	۸۸
مبحث اول: انواع صلاحیت.....	۸۸
مبحث دوم: جهات قانونی برای شروع به تحقیقات.....	۸۹
مبحث سوم: فروض ارتکاب جرم توسط شخص.....	۹۲
مبحث چهارم: استثنائات وارد بر قواعد صلاحیت محلی.....	۹۵
بند اول) صلاحیت اضافی.....	۹۵
۱) تعدد اتهام.....	۹۶
۲) تعدد متهم.....	۹۷
بند سوم) احاله.....	۱۰۶
مبحث پنجم: حل اختلاف در صلاحیت.....	۱۰۷
مبحث ششم: قرار نیابت قضایی.....	۱۱۰
فصل سوم: قرارهای تأمین کیفری و نظارت قضایی.....	۱۱۵
مبحث اول: قرارهای تأمین کیفری.....	۱۱۵
مبحث دوم: قرار نظارت قضایی.....	۱۳۲
فصل چهارم: اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات.....	۱۳۸

مبحث اول: قرار جلب به دادرسی	۱۳۹
مبحث دوم: قرار منع تعقیب	۱۴۳
مبحث سوم: قرار موقوفی تعقیب	۱۴۷
بند اول) تعریف و اقسام موارد صدور قرار موقوفی تعقیب	۱۴۷
بند دوم) موارد صدور قرار موقوفی تعقیب (سقوط دعوای عمومی)	۱۴۸
مبحث چهارم: موانع تعقیب دعوای عمومی	۱۷۰
مبحث پنجم: قرارهای قابل اعتراض	۱۷۹
مبحث ششم: تحقیقات مقدماتی جرایم اطفال و نوجوانان	۱۸۳
مبحث هفتم: وظایف و اختیارات دادستان کل کشور	۱۸۳
بخش سوم: دادگاه‌های کیفری و رسیدگی و صدور رأی	۱۸۵
فصل اول: تشکیلات قضایی و صلاحیت	۱۸۵
فصل دوم: رسیدگی به ادله اثبات	۱۸۵
فصل سوم: رسیدگی و صدور رأی در دادگاه‌های کیفری	۱۹۰
مبحث اول: کیفیت شروع به رسیدگی در دادگاه	۱۹۰
مبحث دوم: ترتیب رسیدگی	۱۹۹
مبحث سوم: صدور رأی	۲۰۵
فصل چهارم: رسیدگی در دادگاه کیفری یک	۲۰۹
مبحث اول: مقدمات رسیدگی	۲۰۹
مبحث دوم: ترتیب رسیدگی در دادگاه کیفری یک	۲۱۴
مبحث سوم: صدور رأی در دادگاه کیفری یک	۲۱۶
فصل پنجم: رأی غیابی و واخواهی	۲۱۷
فصل ششم: ترتیب رسیدگی در دادگاه اطفال و نوجوانان	۲۲۲
فصل هفتم: رد دادرس	۲۲۴
بخش چهارم: اعتراض به آراء	۲۲۹

فصل اول: کلیات.....	۲۲۹
فصل دوم: کیفیت رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان.....	۲۴۱
فصل سوم: کیفیت رسیدگی در دیوان عالی کشور.....	۲۴۶
فصل چهارم: اعاده دادرسی.....	۲۵۵
الف) اعاده دادرسی از طریق دیوان عالی کشور (اعاده دادرسی عام):.....	۲۵۵
ب) اعاده دادرسی از طریق رئیس قوه قضائیه (اعاده دادرسی خاص):.....	۲۶۳
بخش پنجم: اجرای حکم.....	۲۶۹
نحوه اجراء احکام صادره از دادگاه های حقوقی:.....	۲۶۹
احکام کیفری صادره از دادگاه های کیفری:.....	۲۶۹
اجرای احکام:.....	۲۷۱
فصل سوم: اجرای محکومیت های مالی.....	۲۷۷
فصل چهارم: اجرای سایر احکام کیفری.....	۲۷۹
هزینه دادرسی.....	۲۸۱
بخش ششم: نظام های مختلف رسیدگی.....	۲۸۵
الف) نظام رسیدگی اتهامی.....	۲۸۵
ب) نظام رسیدگی اسلامی.....	۲۸۷
پ) نظام دادرسی تفتیشی.....	۲۸۹
ت) نظام رسیدگی مختلط.....	۲۹۰
منابع.....	۲۹۳

بخش اول:

کلیات

فصل اول: مرحله تحقیقات در دادسرا

* آیین دادرسی کیفری مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود.

و (۱) متهم (۲) بزه‌دیده (۳) جامعه رعایت حقوق است	(۱) کشف جرم ←	آیین
	اصولاً توسط ضابطین دادگستری انجام می‌شود.	دادرسی
	(۲) تعقیب متهم ← توسط دادستان انجام می‌شود	کیفری
	(۳) تحقیقات مقدماتی ← توسط بازپرس انجام می‌شود.	مجموعه
	(۴) میانجیگری	اصول و
	(۵) صلح میان طرفین	مقررات
	(۶) نحوه رسیدگی ← در دادگاه	حاکم بر
	(۷) صدور رأی ← در دادگاه	مراحل
	(۸) طرق اعتراض به آراء	(ماده ۱)
	(۹) اجرای رأی ← توسط دادسرا انجام می‌شود.	

- مقامات دادسرا (ماده ۲۳) {
- (۱) دادستان (قاضی تعقیب کننده) ریاست دادسرا را بر عهده دارد.
 - (۲) بازپرس (قاضی تحقیق کننده)
 - (۳) دادیار { زیر نظر دادستان اموری که به موجب قانون با آنها
 - (۴) معاون دادستان { واگذار می شود را انجام می دهد
 - (۵) کارمندان اداری

مبحث اول: انواع دعوا

بند اول) دعوای حقوقی (مدنی)

دعوی حقوقی با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی به جریان می افتد. که موضوع درس آیین دادرسی مدنی است.

بند دوم) دعوای کیفری (جزایی)

- * یکی از راه های به جریان انداختن دعوی کیفری شکایت است.
 - * بنابراین شکایت تنها راه به جریان انداختن دعوی کیفری نیست. (ماده ۶۴ ق.آ.د.ک.)
 - * دعوی کیفری را می توانیم از طریق شکایت کتبی و یا شکایت شفاهی مطرح کنیم.
 - * شاکی یا مدعی خصوصی می تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کند.
- در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:
- الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تابعیت، مذهب، شماره شناسنامه، شماره ملی، نشانی دقیق و در صورت امکان نشانی پیام نگار (ایمیل)، شماره تلفن ثابت و همراه و کد پستی شاکی
 - ب - موضوع شکایت، تاریخ و محل وقوع جرم
 - پ - ضرر و زیان وارده به مدعی و مورد مطالبه وی
 - ت - ادله وقوع جرم، اسامی، مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان
 - ث - مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان (ماده ۶۸)
- * ضابطین و مقامات قضایی موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند و به فوریت نزد دادستان ارسال نمایند. (مواد ۳۷ و ۶۹)

(۱) باید به شاکی رسید بدهند و
 (۲) پرونده را نزد دادستان ارسال کنند و
 (الف) درخواست جبران خسارت
 (ب) بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای
 (پ) بهره‌مندی از سایر معاضدت‌های حقوقی
 (۳) شاکی را از حقوق خود آگاه کنند

ضابطان پس از دریافت شکایت (مواد ۳۷ و ۳۸)

* قوه قضائیه مکلف است اوراق متحدالشکل مشتمل بر موارد فوق را تهیه کند و در اختیار مراجعان قرار دهد تا در تنظیم شکوائیه مورد استفاده قرار گیرد.

* عدم استفاده از اوراق مزبور مانع استماع شکایت نیست. (تبصره ماده ۶۸)

* در ماده ۶۸ اگر شکوائیه ناقص باشد نمی‌توان شکوائیه را بایگانی کرد یا نادیده گرفت.^۱

حقوقی = با تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی به جریان می‌افتد.

دعوی { کیفری = اصولاً در دادسرا مطرح می‌شود ← یکی از راه‌های مطرح کردن دعوی کیفری شکایت است. { مطرح کردن شکایت { (۱) نزد ضابطین (الف) کتبی (ب) شفاهی { (۲) نزد دادستان (الف) کتبی (ب) شفاهی

شکایت نزد دادستان مطرح می‌شود ←

دادستان پرونده را به بازپرس جهت شروع تحقیقات ارجاع می‌نماید. (ماده ۸۹) ←

* بازپرس پیش از شروع به تحقیق با توجه به حقوق متهم به وی اعلام می‌کند مراقب اظهارات خود باشد.

* سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می‌کند^۲

* بازپرس به متهم اعلام می‌نماید که اقرار یا همکاری مؤثر وی می‌تواند موجبات تخفیف مجازات وی را در دادگاه فراهم سازد و آنگاه شروع به پرسش می‌کند.

* پرسش‌ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. (ماده ۱۹۵)

۱. نظریه مشورتی اداره حقوقی ۷/۹۳/۱۳۲۴ مورخ ۱۳۹۳/۶/۸ به نقل از دکتر خالقی، نکته‌ها

۲. تفهیم اتهام به غیر از اعلام اتهام است یعنی فهماندن این امر که چه عمل مجرمانه‌ای

* وکیل متهم می‌تواند در صورت طرح سؤالات تلقینی یا سایر موارد خلاف قانون به بازپرس تذکر دهد. (تبصره ۱۹۵)

* اتهام به متهم تفهیم می‌شود (ماده ۱۹۵)

* اتهام به عاقله تبیین می‌شود (تبصره ۲ ماده ۸۵)

* اتهام به نماینده شخص حقوقی تبیین می‌شود (ماده ۶۸۹)

* متهم می‌تواند سکوت اختیار کند.

* مراتب امتناع متهم از دادن پاسخ یا امضای اظهارات، در صورت مجلس قید می‌شود. (ماده ۱۹۷)

* بازپرس جز در موارد مواجهه حضوری، از متهمان به نحو انفرادی تحقیق می‌کند.

* متهمان نباید با یکدیگر داخل در مذاکره و موضعه شوند. (ماده ۱۹۸)

* حق سکوت یکی از حقوق دفاعی متهم و از آثار اصل برائت است.

* مقام قضایی مکلف به اعلام حق سکوت به متهم نیست^۱

* پاسخ پرسش‌ها باید بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود و پس از قرائت برای متهم به امضاء یا اثر انگشت او برسد.

* متهم با سواد خودش پاسخ را می‌نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند. (ماده ۱۹۹)

* بازپرس پس از پایان تحقیقات ← اگر دلایل کافی بر وقوع جرم و توجه اتهام به متهم باشد

آخرین دفاع را استماع می‌کند (ماده ۲۶۲) ←

* آخرین دفاع یعنی استعلام دیدگاه و نقطه نظر متهم نسبت به دلایل و قرائنی که در پرونده علیه او تحصیل شده است.

اخذ آخرین دفاع را نیز باید از آثار اصل برائت تلقی کرد.^۲

* آخرین دفاع ۲ بار استماع می‌شود:

۱) یک بار در انتهای مرحله تحقیقات،

۲) یک بار در انتهای مرحله رسیدگی استماع می‌شود.^۳

۱. دکتر خالقی، همان

۲. آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، انتشارات سمت، ص ۱۵۰

۳. ماده ۲۶۲، ۳۷۱ و ۳۹۹

از شرط «وجود دلایل کافی بر وقوع جرم» در صدر ماده چنین برمی‌آید که بازپرس در صورتی مکلف به اخذ آخرین دفاع از متهم قبل از اظهار نظر نهایی است که دلایل وقوع جرم (توسط متهم) را کافی بداند. اگر براساس مدارک

* در صورت عدم حضور متهم یا وکیل او برای اخذ آخرین دفاع ← بدون اخذ آخرین دفاع اتخاذ تصمیم می‌شود. (ماده ۲۶۳)

* اگر نظر بازپرس مبتنی بر عدم ارتکاب جرم از جانب متهم باشد الزامی به اخذ آخرین دفاع ندارد.

* آخرین دفاع حق متهم است نه تکلیف او حتی قابل اسقاط است.^۱

* بنابراین اگر متهم یا وکیل او با وجود ابلاغ احضاریه، برای ارائه آخرین دفاع حاضر نشود، بازپرس نمی‌تواند حاضر نمودن متهم را از کفیل یا وثیقه‌گذار بخواهد یا دستور جلب متهم را بدهد.^۲

* بازپرس پس از انجام تحقیقات و اعلام کفایت و ختم تحقیقات باید حداکثر ظرف ۵ روز نظر خود را در قالب قرار مناسب اعلام کند.

* نظر بازپرس در مورد متهم می‌تواند مبتنی بر

باشد ^۳ (ماده ۲۶۵)	{	(۱) وجود تقصیر از سوی متهم
		(۲) عدم وجود تقصیر از سوی متهم
		(۳) عدم امکان تعقیب متهم

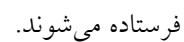
موجود در پرونده، بازپرس متهم را بی‌گناه دانسته، قصد صدور قرار منع تعقیب در مورد او را داشته باشد، نیازی به احضار و اخذ آخرین دفاع او نیست. (دکتر خالقی، نکته‌ها، همان، ج ۲۳، ص ۳۸۰)

۱. دکتر خالقی، همان، ج ۲۳، ص ۳۸۰

۲. بند الف ماده ۲۳۵ و خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری، پیشین، ص ۲۳۰.

۳. ماده ۲۶۵ ق.آ.د.ک. در دادسرا فقط در مورد کفایت دلایل اتهام جهت محاکمه متهم در دادگاه اظهارنظر می‌شود، نه درباره مجرمیت یا برائت متهم (دکتر خالقی، همان، ج ۲۳، ص ۳۸۱) نکته دیگر این‌که مهلت سه روزه دادستان برای اظهارنظر در فرض است که بازپرس این قرارها را صادر کرده باشد، اگر دادیار صادر کرده باشد دادستان تنها ۲۴ ساعت برای اظهارنظر در مورد آنها فرصت دارد نه سه روز. (همان ۳۸۲)

* قرار جلب به دادرسی قابل اعتراض نیست.



مبحث دوم: تقسیم‌بندی قرارها

یکی از تقسیم‌بندی‌ها در مورد قرارها عبارتند از:

۱. قرارهای مقدماتی (اعدادی، تمهیدی)، ۲. قرارهای نهایی

بند اول) قرار مقدماتی: قرار است که پرونده را، برای ادامه تحقیق و رسیدگی و اظهار نظر نهایی آماده می‌کند.

مانند: قرار تحقیقات محلی، معاینه محلی، قرار ارجاع به کارشناس، و اعطای نیابت قضایی، تأمین خواسته، اناطه، استماع شهادت شهود و قرارهای تأمین کیفری.

بند دوم) قرار نهایی: قرار است که باعث می‌شود پرونده از آن مرجع جدا شود.

مانند: قرار جلب به دادرسی، قرار منع تعقیب، قرار موقوفی تعقیب، قرار توقف تحقیقات، قرار ترک تعقیب، قرار بایگانی پرونده، قرار تعلیق تعقیب و قرار عدم صلاحیت.

قرارهای نهایی	{	(۱) قرار جلب به دادرسی	
		(۲) قرار منع تعقیب	
		(۳) قرار موقوفی تعقیب	← توسط بازپرس صادر می‌شود.
		(۴) قرار توقف تحقیقات	
		(۵) قرار عدم صلاحیت	
		(۶) قرار ترک تعقیب	← توسط دادستان صادر می‌شود.
		(۷) قرار بایگانی پرونده	← توسط قاضی دادگاه صادر می‌شود.
		(۸) قرار تعلیق تعقیب	← حسب مورد توسط دادستان یا قاضی دادگاه صادر می‌شود.

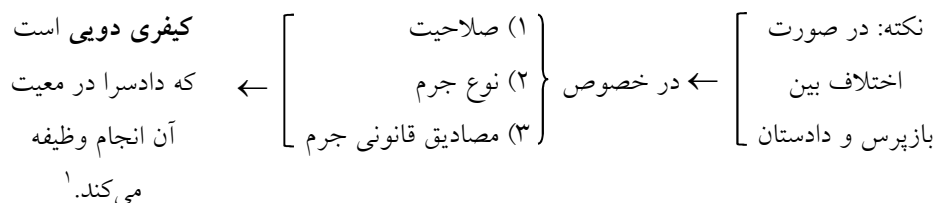
* بنابراین قرارهای جلب به دادرسی و قرار منع تعقیب که جزء قرارهای نهایی هستند در صورت صدور از سوی بازپرس جهت اظهار نظر نزد دادستان فرستاده می‌شوند و دادستان باید حداکثر ظرف ۳ روز در این مورد اظهار نظر کند.

الف) دادستان با آن موافق باشد ← ظرف ۲ روز کیفرخواست صادر می‌کند ← پرونده را به شعبه بازپرسی ارسال می‌کند ← از طریق بازپرسی پرونده بلافاصله به دادگاه صالح ارسال می‌شود.	(۱) در مورد قرار جلب به دادرسی	نظر دادستان در مورد قرارهای صادر از سوی بازپرس
ب) دادستان با آن مخالف باشد ← موضوع جهت حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال می‌شود. (ماده ۲۶۹) دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد. (ماده ۲۷۱)	(۲) در مورد قرار منع و موقوفی تعقیب	
الف) دادستان با آن موافق باشد ← موافقت خود را اعلام می‌کند و پرونده را به شعبه بازپرسی ارسال می‌کند ← بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. ^۱		
ب) دادستان با آن مخالف باشد ← موضوع جهت حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال می‌شود ← منظور دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد. (ماده ۲۷۱)		

(۱) دادگاه کیفری یک ← در صورتی که اصل اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری یک باشد.	(الف) اصل: دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به اصل اتهام را دارد. (حسب مورد)	دادگاه صالح جهت حل اختلاف بین دادستان و بازپرس
(۲) دادگاه کیفری دو ← در صورتی که اصل اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری دو باشد.		
(۳) دادگاه انقلاب ← در صورتی که اصل اتهام در صلاحیت دادگاه انقلاب باشد.		
(ب) استثناء: اگر اصل اتهام در صلاحیت دادگاه کیفری یک و یا انقلاب باشد و در حوزه قضایی دادرسی دادگاه‌هایی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری دو محل، صالح برای حل اختلاف است.		

۱. ماده ۲۶۷ ق.آ.د.ک. در صورت موافقت دادستان با قرار منع یا موقوفی تعقیب صادر شده توسط بازپرس، از قرار تأمین و نظارت قضایی رفع اثر می‌گردد و این امر موکول به قطعی شدن قرارهای نهایی مذکور نیست (دکتر خالقی، همان، ج ۲۳، ص ۳۸۳ و ماده ۲۶۷)

حل اختلاف با دادگاه



* اگر نظر بازپرس مبتنی بر عدم صلاحیت باشد قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند.

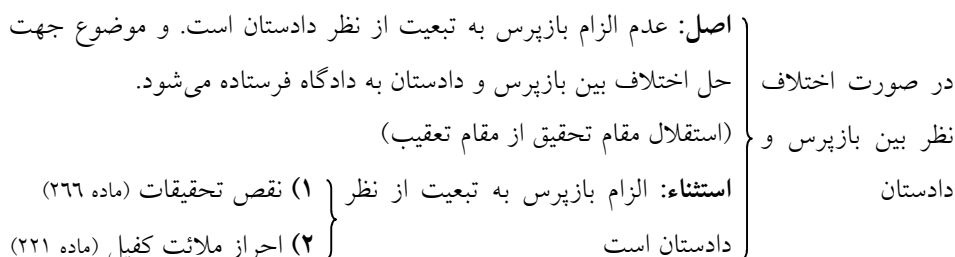
* قرار عدم صلاحیت جهت اظهار نظر نزد دادستان فرستاده می‌شود.

* در صورت موافقت دادستان با قرار عدم صلاحیت پرونده به مرجع صالح فرستاده می‌شود

* اگر دادستان با قرار عدم صلاحیت مخالف باشد موضوع جهت حل اختلاف به دادگاه کیفری دو محل فرستاده می‌شود.

* قرار عدم صلاحیت صادره در دادسرا قابل اعتراض نیست.

* تنها جایی که قرار عدم صلاحیت قابل اعتراض است در فرضی است که در دادگاه کیفری یک صادر شده باشد به استناد بند الف ماده ۳۸۹ و ماده ۳۹۰ قابل اعتراض است.



* در این دو مورد بازپرس مکلف به تبعیت کردن از نظر دادستان است:

(۱) دادستان اگر تحقیقات را ناقص بداند می‌تواند تکمیل آن را بخواهد و بازپرس مکلف به تبعیت از نظر دادستان و تکمیل تحقیقات است. (ماده ۲۶۶)

۱. ماده ۲۷۲ ق.آ.د.ک. منظور از اختلاف در نوع، اختلاف نظر بازپرس و دادستان در عنوان مجرمانه‌ای است که بر عمل متهم منطبق می‌گردد مانند اینکه یکی از آن دو عمل را خیانت در امانت دانسته و دیگری با اعتقاد به اینکه رابطه امانی در میان نبوده نظر به تحقق جرم سرقت دارد. و منظور از «اختلاف در مصادیق آن» این است که آن دو ضمن اتفاق نظر بر عنوان مجرمانه کلی انطباق با عمل متهم (مثل سرقت) در مورد جزئیات تطبیق یعنی ساده یا مشدد بودن آن اختلاف نظر داشته باشند (دکتر خالقی، همان، چ ۲۳، ص ۳۸۸)

۲) اگر بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند ولی دادستان نظرش بر ملائت کفیل باشد بازپرس باید از نظر دادستان تبعیت کند. (ماده ۲۲۱)

* همان طور که بیان شد اگر دادستان با قرار جلب به دادرسی صادره از سوی بازپرس موافق باشد کیفرخواست صادر می‌کند و پرونده را به شعبه بازپرسی اعاده می‌کند و پرونده از طریق شعبه بازپرسی جهت رسیدگی به دادگاه صالح ارسال می‌شود.

فصل دوم: مرحله رسیدگی و محاکمه در دادگاه

* دادگاه مرجع رسیدگی و محاکمه است.

مبحث اول: تقسیم‌بندی دادگاه‌ها با توجه به نوع

بند اول) دادگاه عمومی ←

دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به کلیه جرائم را دارد، مگر اینکه قانونگذار استثناء کرده باشد.

بند دوم) دادگاه اختصاصی ←

دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی به جرمی را ندارد، مگر اینکه قانونگذار تصریح کرده باشد. دادگاه اختصاصی مانند: دادگاه انقلاب، دادگاه نظامی، دادگاه ویژه روحانیت و دادگاه اطفال و نوجوانان. * لازم به ذکر است که نباید اصطلاح **دادگاه‌های اختصاصی** را با **دادگاه‌های تخصصی** اشتباه گرفت.

دادگاه تخصصی: شعبی از دادگاه‌ها هستند که برای رسیدگی به امور خاصی اختصاص یافته‌اند. * تمام مراجع قضایی موضوع ق.آ.د.ک. مکلفند با توجه به نوع دعاوی به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند. (ماده ۵۶۶ و تبصره آن)

* قوه قضائیه موظف است به تناسب ضرورت، شعبه یا شعبی از دادرها، دادگاه‌های کیفری یک، کیفری دو، اطفال و نوجوانان، نظامی و تجدیدنظر را برای رسیدگی به جرائم رایانه‌ای اختصاص دهد. (ماده ۶۶۶)